

تایتل: اگر دین و فطرت هماهنگ هستند؛ چرا بعضی از افراد مسیر عبور از دین را انتخاب می کنند؟

H1 بررسی رابطه دین و فطرت؛ اگر دین امری فطری است، ریشه تعارض با دین چیست؟

شاید بسیاری از ما در مقاطعی احساس کرده باشیم میان خواسته های درونی ما و آنچه دین می گوید فاصله ای وجود دارد. این تجربه یک سؤال مهم ایجاد می کند که اگر دین فطری است، چرا گاهی چنین تعارضی احساس می شود؟ آیا دین با سرشت ما ناسازگار است یا مسأله از جای دیگری ناشی می شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید ساختار وجود خود را دقیق تر بشناسیم. انسان فقط مجموعه ای از تمایلات لحظه ای نیست، بلکه دارای حقیقتی عمیق تر به نام فطرت است و دین دقیقاً در ارتباط با همین حقیقت معنا پیدا می کند.

در نگاه انسان شناختی، دین فقط مجموعه ای از احکام و دستورها نیست، بلکه برنامه ای هماهنگ با حقیقت وجود بشر است. ما به صورت طبیعی گرایش به حقیقت، عدالت، زیبایی و کمال داریم. این گرایش ها محصول آموزش یا فرهنگ نیستند، بلکه در اصل خلقت ما قرار داده شده اند. قرآن کریم به همین حقیقت اشاره می کند و از دینی سخن می گوید که هماهنگ با فطرت الهی بشر است.

دین در برابر فطرت قرار ندارد، بلکه مسیر شکوفایی حقیقت درونی بشر را نشان می دهد. با این حال تجربه زندگی نشان می دهد که افراد همیشه این هماهنگی را احساس نمی کنند. گاهی در برابر یک حکم دینی مقاومت درونی شکل می گیرد. این مقاومت واقعی است، اما برای فهم ریشه آن باید به این نکته توجه کنیم که ما فقط یک نوع گرایش درونی نداریم.

در درون ما دو جهت فعال حضور دارد: فطرت و طبیعت. فطرت ما را به سوی حقیقت، خیر و کمال سوق می دهد و طبیعت ما را به سوی لذت فوری، حفظ منافع و ارضای سریع تمایلات هدایت می کند. هر دو بخشی از وجود ما هستند، اما نقش و جهت آن ها یکسان نیست. مشکل از جایی آغاز می شود که این دو

<sup>۱</sup> فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا؛ سوره روم، آیه ۳۰

صدا با یکدیگر اشتباه گرفته شوند.

گاهی آنچه خواست قلبی می نامیم؛ در حقیقت صدای طبیعت تقویت شده است نه ندای فطرت. در چنین شرایطی اگر دین با این میل قلبی تعارض پیدا کند، چنین به نظر می رسد که دین و فطرت با هم ناسازگارند؛ درحالی که تعارض واقعی میان دین و فطرت نیست؛ بلکه میان دین و طبیعت غالب شده است. این نکته کلیدی است که دین نیامده فطرت را محدود کند، بلکه آمده است از فطرت در برابر غلبه طبیعت محافظت کند.

برخی خواسته ها نتیجه عادت ها، فضای اجتماعی یا تحریک های بیرونی هستند، نه بیان حقیقت وجود ما. اگر این تمایز روشن نشود، دو برداشت نادرست شکل می گیرد: یا دین به عنوان عاملی محدود کننده دیده می شود یا هر میل درونی به عنوان حقیقت اصیل و فطری پذیرفته می شود. هر دو برداشت تصویر نادرستی از نسبت دین و فطرت ارائه می دهند.

هدف این بحث آن است که با نگاه به تجربه واقعی زندگی روشن شود چرا دین و فطرت با هم هماهنگ و سازگارند و در عین حال چرا بشر گاهی احساس تعارض می کند.

## ۱۲ آیا هر صدای درونی، صدای فطرت است؟

یکی از خطاهای رایج در فهم نسبت دین و فطرت این است که تصور می شود هرچه از درون برمی خیزد، لزوماً بیانگر فطرت است. بر اساس این تصور، کافی است به احساس درونی خود رجوع کنیم تا مسیر درست را پیدا کنیم. اما تجربه واقعی نشان می دهد که موضوع پیچیده تر از این است.

قرآن کریم می فرماید: «و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو آفرید، پس بزه کاری و پرهیزکاری آن را به او الهام کرد.» این آیه نشان می دهد درون هر فرد فقط یک گرایش واحد وجود ندارد؛ خداوند فجور و تقوا را به انسان الهام می کند و او، هم ظرفیت حرکت به سوی حقیقت و هم امکان انحراف را دارد؛ این یعنی درون ما میدان انتخاب است، نه مسیری از پیش تعیین شده و بدون خطا.

<sup>۲</sup> وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا؛ سوره شمس، آیات ۷ و ۸

برای روشن تر شدن موضوع به یک مثال ساده توجه کنیم. فرض کنید در موقعیتی خاص گفتن یک دروغ می تواند منفعتی فوری ایجاد کند. در چنین لحظه ای ممکن است تمایل به دروغ گفتن در درون فرد شکل بگیرد. اما این میل از کجا آمده است؟ آیا از حقیقت جویی فطرت سرچشمه گرفته است یا از طبیعتی که به دنبال منفعت فوری است؟

یا میل به دیده و تأیید شدن را در نظر بگیرید. این میل گاهی می تواند ریشه در استعداد و مسئولیت پذیری داشته باشد، اما گاهی فقط شکل پنهان میل به برتری بر دیگران است. تشخیص این دو همیشه آسان نیست.

قرآن هشدار می دهد که اگر از خواهش های نفسانی پیروی کنیم، قدرت دیدن حقیقت را از دست می دهیم. یعنی مشکل فقط در انتخاب نادرست نیست؛ بلکه در این است که<sup>۳</sup> بشر به تدریج توان تشخیص درست را نیز از دست می دهد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز به این حقیقت اشاره می کنند و می فرمایند: «چه بسیار عقل ها که اسیر فرمانروایی هوس هستند.» این یعنی حتی عقل نیز اگر تحت تأثیر تمایلات نادرست<sup>۴</sup> قرار گیرد، کارکرد هدایت گری خود را از دست می دهد.

خطر اصلی از جایی آغاز می شود که طبیعت خود را به جای فطرت معرفی کند. در این حالت گمان می کنیم به حقیقت وجود خود پاسخ می دهیم؛ درحالی که در واقع از تمایلات تقویت شده طبیعت پیروی می کنیم. در چنین شرایطی تعارض با دین به اشتباه تعارض با فطرت تلقی می شود؛ درحالی که دین و فطرت در کنار هم قرار دارند و مقابل یکدیگر نیستند.

## ۵۲ نقش دین در نزاع میان فطرت و طبیعت

پس از آنکه روشن شد در درون انسان کشاکشی واقعی میان فطرت و طبیعت جریان دارد، اکنون این پرسش مطرح می شود که دین در این میان چه نقشی دارد؟ آیا دین فقط آمده است آنچه را ما در درون

<sup>۳</sup> أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ: سوره جاثیه، آیه ۲۳  
<sup>۴</sup> وَ كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَى أَمِيرٍ: نهج البلاغه، حکمت ۲۱۱

خود احساس می کنیم تأیید کند یا وظیفه ای فراتر بر عهده دارد؟

برداشت رایج این است که دین صرفاً پاسخ فطرت است، یعنی گرایش های اصیل از پیش در وجود ما قرار داده شده اند و دین فقط آن ها را بیان و تقویت می کند؛ اما اگر ما همیشه می توانستیم تنها با تکیه بر احساس درونی خود مسیر درست را تشخیص دهیم، دیگر چه نیازی به هدایت، هشدار و تربیت وجود داشت؟

واقعیت این است که دین فقط تأیید کننده نیست؛ بلکه کمک می کند منشأ واقعی خواسته های خود را تشخیص دهیم و میان دو نوع خواستن تمایز قائل شویم. خواستنی که ریشه در فطرت دارد و خواستنی که نتیجه غلبه طبیعت، تمایلات زودگذر یا تأثیر شرایط بیرونی است. قرآن به این پیچیدگی اشاره می کند و می فرماید: «انسان نسبت به حقیقت خود آگاه است، حتی زمانی که برای رفتار خود توجیه می آورد». این یعنی فرد می تواند رفتار خود را موجه بداند، بی آنکه منشأ واقعی آن را به درستی تشخیص داده باشد. برای نمونه، میل به دیده شدن ممکن است در قالب اثرگذاری اجتماعی یا خدمت به دیگران ظاهر شود، یا تمایل به رهایی از مسئولیت با نام آزادی توجیه گردد. در چنین شرایطی تمایز میان فطرت و طبیعت دشوار می شود؛ زیرا تمایلات طبیعت می توانند در پوشش ارزش ها ظاهر شوند. اگر این روند ادامه یابد، قدرت تشخیص به تدریج تضعیف می شود و فرد ممکن است خواسته های گذرا را با حقیقت وجود خود اشتباه بگیرد.

قرآن هشدار می دهد: «از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند.» این هشدار فقط به انحراف رفتاری اشاره ندارد، بلکه به پیامدی عمیق تر نیز اشاره می کند؛ اگر فرد بارها از تمایلات نادرست پیروی کند، به تدریج قدرت تشخیص خود را تضعیف می کند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در این مورد می فرمایند: «کسی که از هوای نفس خود پیروی کند، هوس او را کور دل، کر باطن و خوار و گمراه می سازد.» این کوری، نابینایی ظاهری نیست؛ بلکه به معنای از دست رفتن

<sup>۵</sup> بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْفَنَ مَعَاذِرُهُ؛ سوره قیامه، آیات ۱۴ و ۱۵

<sup>۶</sup> وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ سوره ص، آیه ۲۶

<sup>۷</sup> مَنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ أَغْمَاهُ وَأَصْمَاهُ وَأَذَلَّهُ وَأَضَلَّهُ؛ تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۵

بصیرت درونی است. در چنین وضعیتی طبیعت می تواند خود را به جای فطرت معرفی کند و فرد بی آنکه متوجه باشد، از مسیری فاصله بگیرد که حقیقت وجود او اقتضا می کند.

در اینجا نقش دین روشن تر می شود. دین تکیه گاهی ثابت در اختیار فرد قرار می دهد که وابسته به شرایط متغیر و میل های لحظه ای نیست. این شاخص و راهنما کمک می کند، بتوانیم خواسته های اصیل فطرت را از خواسته هایی که تحت تأثیر عادت، محیط یا تمایلات گذرا شکل گرفته اند، از هم تفکیک کنیم؛ بنابراین دین در برابر فطرت قرار ندارد؛ بلکه پشتیبان و محافظ آن است و کمک می کند مسیر واقعی رشد خود را گم نکنیم و آگاهانه در جهت کمال حرکت کنیم.

آنچه در این درس روشن شد این است که دین و فطرت در تعارض با یکدیگر نیستند، بلکه دین از فطرت محافظت می کند و مسیر شکوفایی آن را روشن می سازد. بسیاری از تعارض هایی که به عنوان ناسازگاری دین و فطرت مطرح می شود در واقع از اشتباه گرفتن صدای طبیعت با صدای فطرت ناشی می شود. وقتی این تمایز روشن شود، نگاه ما به دین نیز تغییر می کند؛ در این صورت دیگر دین را به عنوان مجموعه ای از اجبارها نمی بینیم، بلکه آن را به عنوان راهنمایی برای رسیدن به رشد و کمال واقعی می پذیریم.

شناخت درست نسبت دین و فطرت نقطه آغاز تربیت صحیح است. وقتی دین به عنوان معیار تشخیص فهم شود، دیگر نه به اجبار تقلیل می یابد و نه به امری سلیقه ای تبدیل می گردد؛ بلکه جایگاه واقعی خود را به عنوان راهنمای رشد انسان بازمی یابد.

اگر شما نیز تعارضی میان دین و فطرت در درون خود تجربه کرده اید یا دیدگاهی درباره این موضوع دارید، خوشحال می شویم آن را با ما در میان بگذارید.